

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

روانشناسی بالینی

عنوان:

**بررسی و مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های دلبستگی مردان مرتکب
درجات بالای خشونت علیه همسرانشان با مردان مرتکب درجات پایین خشونت
علیه همسرانشان**

استاد راهنما: سرکار خانم دکتر خسروی

استاد مشاور: سرکار خانم دکتر پیوسته‌گر

دانشجو: الهه کریمی

مهر ۱۳۹۱

پیشکش به روح گرانقدر تمامی شهدا

آنان که شراب حضور یار را سرکشیدند و لاجرم در پی نوشیدن این شراب ترک سرکردند. آری، پیکرهای بی‌جان‌شان، گواه این ادعاست. روحشان در ملکوت و جسمشان در خاک ماند. هر چیز و هر کس به سوی هم سنخ خود باز می‌گردد و "انالله وانا الیه راجعون" باز گواه این ادعا است. آنها از سنخ نور بودند و به منشاء نور بازگشتند. مرغان خوش‌الحان ملکوت بودند که به منزل جاودانی خود عروج کردند.

تقدیم به پدرم

او که دست‌های پرتوانش، همیشه بزرگ‌ترین حامی زندگی‌ام بوده و آغوش امن او بهترین جا برای فراموشی غم‌های در دل مانده‌ام. همان که کشتی زندگی‌م را از میان موج‌های سهمگین روزگار به ساحل آرام رویاها رسانده است.

تقدیم به مادرم

او که با شکوه مهرش عشق را معنایی دیگر می‌بخشد. قلبش، وسعت بی‌انتهای صبر و مهربانی است. شانه‌های پرصلابتش، مأمن مهر و صفا، چشم‌های پرفروغش، سرچشمه احساس و گذشت است. با گلخند محبتش رنگ غم را از چهره‌ام می‌زداید و تبسمی از شادمانی بر دلم می‌نشانند و با داستان پرسخاوتش، چتری سایه‌گستر ساخته است تا هیچ سختی را حس نکنم. او به راستی تندیس همه خوبی‌هاست.

تقدیر:

- از استاد گرانقدرم، سرکار خانم دکتر خسروی که با راهنمایی‌های ارزنده خود، از هیچ کمکی دریغ نفرمودند " او که اندیشیدن را به من آموخت نه اندیشه‌ها را"
 - از استاد ارجمندم، سرکار خانم دکتر پیوسته‌گر که با نکته‌سنجی‌های خود، به غنای کار افزودند و همواره دستگیر من در راه کسب علم بودند.
 - از اساتید محترم، جناب آقای دکتر محمدخانی و سرکار خانم دکتر عامری که داوری این پژوهش را برعهده گرفتند و با ارائه نظرات کارشناسانه خود، در راه رفع نواقص و هرچه بهتر شدن آن کمک فراوان نمودند.
 - از جناب آقای خواجه‌وی، ریاست محترم مجتمع قضایی خانواده شهرستان کرج که بزرگوارانه و سخاوتمندانه، بستری مناسب را جهت اجرای این پژوهش فراهم نمودند.
 - از جناب آقای دکتر کیانی، ریاست محترم بیمارستان امام خمینی (ره) شهرستان کرج که صبورانه و خیرخواهانه با بنده همکاری نموده و از راهنمایی‌هایشان بهره بردم. قطعاً بدون حمایت‌های ایشان، اجرای این پژوهش میسر نمی‌شد.
 - از پرسنل محترم بیمارستان امام خمینی (ره) شهرستان کرج که نهایت همکاری را در اجرای پرسشنامه‌ها با اینجانب داشتند.
 - از جناب آقای دکتر هدایتی، ریاست محترم بیمارستان کسری شهرستان کرج و جناب آقای صالحی، مدیریت محترم بیمارستان، که در راستای اجرای این طرح، بدون هیچگونه چشم‌داشتی، با در اختیار قرار دادن فضای مناسب بیمارستان، در انجام هرچه بهتر این پژوهش کمک بزرگی نمودند.
 - از سرکار خانم سهرابی‌فر، کارشناس ارشد روانسنجی، که در حوزه آمار و تحلیل داده‌ها، راهنمایی‌ام نمودند.
- و در پایان از تمامی زوج‌هایی که با حسن خلق و دقت نظر در این پژوهش شرکت نمودند و گاه نیز دلگرمی‌هایشان را بدرقه راهم کردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم و بهترین‌ها را برایشان آرزومندم.

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر، بررسی سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه مردانی بود که نسبت به همسرانشان مرتکب خشونت خانگی شده بودند و نیز مقایسه آنها از نظر این دو متغیر، با مردانی که درجات پایین‌تری از ارتکاب این نوع خشونت را داشتند.

آزمودنی‌ها شامل ۲۱۶ زوج ساکن شهرستان کرج بودند که حداقل یکسال از زندگی مشترک آنها گذشته بود و دامنه سنی بین ۲۰ تا ۵۰ سال داشتند. ۱۱۰ زوج از میان مراجعه‌کنندگان به درمانگاه‌های سرپایی دو بیمارستان شهر کرج (۱ خصوصی و ۱ دولتی) و ۱۰۶ زوج از میان مراجعه‌کنندگان به مجتمع قضایی خانواده این شهر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از این میان، در نهایت پرسشنامه ۱۹۷ زوج، قابل بررسی بود. زنان، پرسشنامه سنجش خشونت را تکمیل نمودند که ترکیبی از پرسشنامه سنجش خشونت حاج یحیی و سوالاتی بود که توسط محقق به آن اضافه گردیده بود و چهار نوع خشونت (روانی، جسمانی، جنسی و اقتصادی) را می‌سنجید. به منظور بررسی پایایی ابزار، این پرسشنامه دو مرتبه و با فاصله ۲۰ روز بر روی ۲۰ نفر از آموزگاران زن یکی از مدارس راهنمایی شهر کرج اجرا گردید. اعتبار بازنمایی محاسبه شده، ۰/۸۷ بود. مردان نیز پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (RASS) و فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار یانگ (SQ-SF) را تکمیل نمودند.

نتایج پژوهش نشان داده است، میان تمام طرحواره‌ها (به جز وابستگی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری، خود تحول نیافته/گرفتار، ایثار و بازداری هیجانی) و سبک‌های دلبستگی دو گروه از مردان با درجات بالا و پایین خشونت، تفاوت معنادار وجود دارد. همچنین سبک‌های دلبستگی ناایمن در مردان با خشونت آنها علیه همسرانشان همبستگی مثبت و معنادار دارد. میان تمامی طرحواره‌های آنها به جز ۵ مورد (وابستگی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر، خودتحول نیافته/گرفتار، ایثار و بازداری عاطفی) نیز با خشونت همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌ها، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی خشونت دارند. بین تمامی متغیرهای جمعیت‌شناختی (سن، تحصیلات، شغل، طول مدت ازدواج، درآمد) به جز تعداد فرزند و رابطه خویشاوندی و مصرف مواد و الکل با خشونت خانگی همبستگی معناداری وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: خشونت خانگی، سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۲	۱- مقدمه
۵	۲- بیان مسئله
۹	۳- اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۴	۴- اهداف پژوهش
۱۵	۵- تعریف اصطلاحات و مفاهیم

فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۱۹	۱- پیشینه نظری
۱۹	۲- خشونت خانگی علیه زنان
۲۰	۳- انواع خشونت علیه زنان
۲۳	۴- برخی باورهای غلط در مورد خشونت علیه شریک جنسی
۲۸	۵- نظریه‌های خشونت
۲۹	- نظریه یادگیری اجتماعی و الگوگیری نقش
۳۰	- نظریه سیستمی
۳۱	- نظریه منابع
۳۲	- نظریه زیست محیطی
۳۳	- نظریه مبادله
۳۴	- نظریه شناختی
۳۵	- نظریه روانکاوی
۳۸	۶- عوامل مؤثر در ارتکاب خشونت
۳۸	- علل فردی و شخصیتی

- ۴۰ - علل ارتباطی و تعاملی
- ۴۱ - علل اجتماعی - اقتصادی
- ۴۳ - ۷- دل بستگی
- ۴۵ - ۸- الگوهای دل بستگی
- ۴۶ - دل بستگی ایمن
- ۴۷ - دل بستگی اضطرابی - دوسوگرا
- ۴۷ - دل بستگی اجتنابی
- ۴۸ - ۹- کیفیت دل بستگی
- ۵۰ - ۱۰- مدل های فعال درونی
- ۵۲ - ۱۱- سه تفاوت عمده بین دل بستگی بزرگسالان و کودک
- ۵۴ - ۱۲- سبک های دل بستگی و روابط رمانتیک در بزرگسالان
- ۵۵ - ۱۳- دل بستگی و آسیب شناسی روانی در بزرگسالان
- ۵۸ - ۱۴- تعریف یانگ از مفهوم طرحواره
- ۵۸ - ۱۵- طرحواره های ناسازگار اولیه
- ۶۰ - ۱۶- عوامل مؤثر در شکل گیری طرحواره ها
- ۶۲ - ۱۷- حوزه های طرحواره و طرحواره های ناسازگار در هر حوزه
- ۶۲ - حوزه اول: طرد و بریدگی
- ۶۵ - حوزه دوم: خودگردانی و عملکرد مختل
- ۶۶ - حوزه سوم: محدودیت های مختل
- ۶۸ - حوزه چهارم: دیگر جهت مندی
- ۷۰ - حوزه پنجم: گوش به زنگی بیش از حد و بازداری
- ۷۲ - ۱۹- سبک های مقابله ای ناسازگار
- ۷۴ - ۲۰- وجوه مشترک مدل طرحواره درمانی و نظریه دل بستگی بالبی
- ۷۸ - ۲۱- پیشینه عملی پژوهش
- ۷۸ - ۲۲- بررسی های انجام شده در داخل کشور
- ۹۲ - ۲۳- بررسی های انجام شده در خارج از کشور
- ۱۱۳ - ۲۴- فرضیه های پژوهش

فصل سوم: ابزار و روش پژوهش

- ۱- طرح کلی پژوهش ۱۱۶
- ۲- جامعه آماری پژوهش ۱۱۶
- ۳- حجم نمونه و روش نمونه‌گیری ۱۱۶
- ۴- ابزارهای پژوهش ۱۱۷
- ۵- پرسشنامه سنجش خشونت نسبت به زنان ۱۱۷
- ۶- شیوه نمره‌گذاری ۱۱۸
- ۷- اعتبار و پایایی ۱۱۸
- ۸- فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ ۱۱۹
- ۹- شیوه نمره‌گذاری ۱۱۹
- ۱۰- اعتبار و پایایی ۱۱۹
- ۱۱- مقیاس دلبستگی بزرگسالان ۱۲۲
- ۱۲- شیوه نمره‌گذاری ۱۲۳
- ۱۳- اعتبار و پایایی ۱۲۴
- ۱۴- روش اجرا ۱۲۶

فصل چهارم: یافته‌های پژوهش

- ۱- اطلاعات توصیفی پژوهش ۱۲۹
- ۲- اطلاعات استنباطی پژوهش ۱۴۱

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری:

- ۱- بحث و نتیجه‌گیری ۱۵۳
- ۲- محدودیت‌های پژوهش ۱۷۰
- ۳- پیشنهادات پژوهش ۱۷۱

فهرست منابع و مآخذ
پیوست‌ها
چکیده انگلیسی

فهرست جداول و نمودار

شماره	صفحه
جدول ۱-۲: مراحل آزمایش موقعیت ناآشنا	۴۵
جدول ۲-۲: سبک‌های دلبستگی در بزرگسالی بر مبنای مدل هازان و شیور	۵۳
نمودار ۱-۲: الگوی فرضی رابطهٔ تکانشگری و خشونت شوهران	۹۹
جدول ۱-۳: میزان آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های پرسشنامهٔ خشونت خانگی	۱۱۸
جدول ۲-۳: نحوهٔ نمره‌گذاری سوالات پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید	۱۲۳
جدول ۳-۳: میزان آلفای کرونباخ خرده مقیاس‌های پرسشنامهٔ بازنگری شده کولینز و رید	۱۲۴
جدول ۳-۴: تحلیل قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی کولینز بر اساس آلفای کرونباخ	۱۲۶
جدول ۱-۴: توزیع و درصد فراوانی زنان و مردان بر اساس سن	۱۲۹
جدول ۲-۴: توزیع و درصد فراوانی زنان و مردان بر اساس تحصیلات	۱۳۰
جدول ۳-۴: توزیع و درصد فراوانی زنان و مردان بر اساس شغل	۱۳۰
جدول ۴-۴: توزیع و درصد فراوانی تعداد فرزندان خانواده و طول مدت ازدواج زوجین	۱۳۱
جدول ۴-۵: توزیع و درصد فراوانی بر اساس نوع رابطه	۱۳۱
جدول ۴-۶: توزیع و درصد فراوانی مربوط به اعتماد به الکل و مواد در مردان	۱۳۱
جدول ۴-۷: توزیع و درصد فراوانی بر اساس درآمد زنان و مردان	۱۳۲
جدول ۴-۸: مشخصه‌های توصیفی متغیرهای دلبستگی و خشونت و طرحواره‌ها	۱۳۲
جدول ۴-۹: مشخصه‌های توصیفی طرحواره‌ها و مقادیر همبستگی بین آنها	۱۴۰
جدول ۴-۱۰: نتایج آزمون t دو گروه مستقل برای مقایسه طرحواره‌های دو گروه از مردان با درجات بالا و پایین خشونت.	۱۴۱
جدول ۴-۱۱: نتایج آزمون t دو گروه مستقل برای مقایسه سبک‌های دلبستگی دو گروه از مردان	۱۴۳

با درجات بالا و پایین خشونت

- ۱۴۳ جدول ۴-۱۲: میزان ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات سبک‌های دلبستگی و انواع خشونت
- ۱۴۴ جدول ۴-۱۳: میزان ضرایب همبستگی پیرسون بین خرده مقیاس‌های دلبستگی و نمره کلی خشونت
- ۱۴۵ جدول ۴-۱۴: ضرایب همبستگی میان نمرات طرحواره‌ها و انواع خشونت
- ۱۴۶ جدول ۴-۱۵: میزان ضرایب همبستگی پیرسون بین طرحواره‌ها و نمره کلی خشونت
- ۱۴۷ جدول ۴-۱۶: نتایج همبستگی پیرسون بین دو متغیر سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌ها
- ۱۴۹ جدول ۴-۱۷: نتایج آزمون تحلیل واریانس
- ۱۴۹ جدول ۴-۱۸: نتایج آزمون رگرسیون چندگانه جهت تعیین سهم تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته
- ۱۵۰ جدول ۴-۱۹: نتایج آزمون پلی‌سریال بین خشونت و متغیرهای جمعیت‌شناختی
- ۱۵۱ جدول ۴-۲۰: مقادیر همبستگی دورشته‌ای - نقطه‌ای بین خشونت و متغیرهای جمعیت‌شناختی

فصل اوّل

کلیّات

مقدمه

خشونت در روابط انسانی، مشکلی اساسی و دیرینه است و فضای خانه و محیط خانواده یکی از بسترهای اصلی آن است. خانه به دلایل مختلف، مکان مناسبی برای بروز خشونت است. خانه اغلب محیطی است که دور از چشم سایرین است و دلیل دیگر آنکه در محیط خانه، تعامل میان افراد خانواده از هر جای دیگر بیشتر است و به عبارت دیگر، افراد در تماس بیشتری با هم هستند.

از آنجایی که افراد خانواده در محیط خانه بیشتر بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و نیز این مهم که بروز اختلاف در این محدوده بیشتر به رسمیت شناخته می‌شود، شدت و میزان بروز خشونت در خانواده را افزایش می‌دهد (دیک استین ۱، ۱۹۸۹. ص ۹۳).

هریک از اعضای خانواده ممکن است آماج خشونت خانگی^۲ شود، اما بیشتر مواقع، این خشونت به لحاظ نقشی که زنان در محیط خانواده ایفا می‌کنند، متوجه آنان می‌شود. این خشونت که اغلب از جانب شوهران اعمال می‌شود فقط شامل ضرب و شتم و آزار جسمی نمی‌باشد بلکه به شیوه‌های مختلفی از جمله آزارهای جنسی، روانی و حتی فشارها و محدودیت‌های اقتصادی صورت می‌پذیرد.

دانشمندان، تبیین‌های گوناگونی از خشونت خانگی را در قالب فرضیات و نظریات ارائه داده‌اند: آسیب‌شناسی‌های اجتماعی و فردی، امور تعاملی، پویایی‌های موقعیتی و خانوادگی، اجبارهای نهادی، فرهنگی، عقیدتی و ... از این دست می‌باشند. در این میان، رشته‌های جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، روانشناسی تکاملی، پزشکی و پرستاری، بیشترین حجم پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

1 - Dickstein
2 - Domestic violence

در تبیین آسیب‌شناسی شخصیت مردان مرتکب خشونت خانگی، تحقیقاتی در حوزه روانشناسی صورت پذیرفته است و در بسیاری از موارد، اختلالات روانی و شخصیتی این افراد بررسی گردیده است.

عوامل روانشناختی مختلفی در ایجاد نارضایتی و ناسازگاری زناشویی (که خشونت نیز جزئی از آن و یا پیامد این نارضایتی است) موثر هستند. نوعی از این شناخت‌ها که در روابط زناشویی و بطورکل در هر رابطه‌ای اهمیت زیادی دارند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۱ هستند. طرحواره‌ها، سازه‌هایی هستند که براساس واقعیت یا تجربه شکل می‌گیرند و به عنوان واسطه، پاسخ‌های رفتاری افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

طرحواره‌ها نقش عمده‌ای در تفکر، احساس، رفتار و نحوه برقراری ارتباط بیماران با دیگران بازی می‌کنند و به‌گونه‌ای متناقض و اجتناب‌ناپذیر، زندگی بزرگسالی را به شرایط ناگوار دوران کودکی می‌کشانند که غالباً برای بیماران زیانبخش بوده است (یانگ، کلوکسو، مارجوری، ۲۰۰۳. حمیدپور، اندوز، ۱۳۸۶. ص ۳۴).

مورد دیگر، سبک‌های دلبستگی^۲ است که بمانند طرحواره‌ها در کودکی شکل می‌گیرند و خانواده نقش بسزایی را در ایجاد نوع سبک دلبستگی ایفا می‌کند. پاسخ‌های مزمن به دلبستگی ایمن، در بزرگسالی نمود پیدا می‌کنند و صفات مرتبط با شناخت‌ها و رفتارها را در روابط صمیمانه شامل می‌شوند.

به مانند سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌ها نیز در اوایل زندگی شکل می‌گیرند و خود را به تجارب بعدی زندگی، تحمیل می‌کنند. طرحواره می‌تواند مثبت یا منفی، سازگار یا ناسازگار

1 - Early maladaptive schema
2- Attachment Style

باشد. از نظر یانگ^۱ (۱۹۹۴) طرحواره‌ها، تأثیر عاطفی متقابل افراد در روابط صمیمانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بنابراین برخی از طرحواره‌ها می‌توانند هسته اصلی اختلالات شخصیت و مشکلات بین‌فردی باشند. در رویکرد طرحواره‌محور تمرکز بر آگاهی و بینش افزایش یافته و درک نقش طرحواره‌ها در حفظ موقعیت‌های مسأله‌آفرین و همچنین تعدیل نحوه فعال‌سازی و عمل طرحواره‌هاست (یونسی و همکاران، ۱۳۸۹).

بنابراین به جهت شناخت بهتر ابعاد مختلف شخصیت‌خسونت‌ورزان و با توجه به آنچه در خصوص اهمیت نقش عوامل روانشناختی در ارتکاب خسونت، در این پژوهش، به بررسی سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های مردان مرتکب خسونت خانگی علیه همسرانشان و مقایسه این دو عامل در دو گروه از مردان با درجات بالا و پایین خسونت‌خانگی پرداخته شده‌است.

بیان مسئله:

خشونت مردان علیه همسرانشان نوعی از خشونت خانگی (یا خشونت خانوادگی) است که عبارت است از مجموعه‌ای از رفتارها که فرد برای کنترل رفتارها و احساسات فرد دیگر انجام می‌دهد. شاید جامع‌ترین تعریف این باشد که "خشونت خانوادگی علیه زن عبارت است از رفتارهای هجومی و سرکوبگرانه، از جمله حملات فیزیکی (جسمی)، جنسی، روانی و همچنین اعمال فشار اقتصادی توسط مرد بالغ، نسبت به همسرش" (شکتر و گنلی، ۱۹۹۵). اگر بپذیریم خشونت همواره عملی نامشروع است، چرا برخی از مردان بدان متوسل می‌شوند و برخی دیگر هرگز بدان دست نمی‌زنند؟ چه می‌شود همسرانی که با هم ازدواج کرده‌اند و بایستی آرامش‌بخش یکدیگر باشند به دشمنی با هم برمی‌خیزند؟ دلایل و عوامل پیچیده‌ای در مورد ریشه، منشأ و بستر شکل‌گیری خشونت وجود دارد و نمی‌توان آن عوامل را به راحتی شناسایی و یا در طبقه‌بندی‌های ساده‌ای خلاصه کرد. اگرچه شناسایی و دسته‌بندی این عوامل از طریق تحقیقات کیفی میسر است، تعیین سهم هر یک از عوامل مذکور در تبیین موضوع، مستلزم تحقیقات کیفی و کمی، توأمان می‌باشد.

فرضیه‌های مختلفی در سطح خرد و کلان وجود دارند که درصدد تشریح خشونت خانوادگی، بالاخص خشونت نسبت به زنان برمی‌آیند. در سطح کلان، فرضیه‌هایی وجود دارند که بیشتر تکیه آن‌ها بر عوامل فرهنگی، ویژگی‌های ساختاری خانواده و فشارهای خارجی است. فرضیه‌های مطرح در سطح خرد عموماً بر عواملی مانند اجتماعی شدن، عوامل درون فردی و عوامل میان فردی تکیه می‌کنند. از سوی دیگر، فرضیه‌هایی نیز وجود دارند که

به عنوان فرضیه‌های سستی مطرح‌اند و عوامل ساختاری-اجتماعی مانند: سن، جنسیت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، نژاد و عوامل فرهنگی مانند پدرسالاری یا پذیرفتن اجتماعی خشونت نمونه‌هایی از زیرمجموعه این فرضیه‌ها هستند. البته این عوامل در خصوص تشریح تنوع، گوناگونی و نیز الگوهای میزان خشونت خانگی بیشتر کاربرد داشته، در پیش‌بینی این مطلب که چه نوع افرادی قربانی خشونت و یا چه افرادی مرتکب خشونت می‌شوند، نقش بسیار کمی ایفا می‌کنند. (گلز^۱، ۱۹۸۷. نقل از پورنقاش و تاشک، ۱۳۸۶)

برخی رویکردهای روانشناختی، منبع خشونت را در اختلالات شخصیت و اختلال‌های روانی می‌جوید و صفات شخصیتی مرتکبین خشونت را بعنوان عامل تعیین‌کننده اصلی در نظر می‌گیرد.

در پژوهش حاضر نیز دغدغه پژوهنده، بررسی آسیب‌شناسی شخصیت مردان مرتکب شونده خشونت خانگی بوده‌است. آنچه از مرور پیشینه پژوهش بدست آمد، این است که این افراد با مشکلاتی شخصی مواجه هستند. بنابراین برخورد حقوقی و جزائی با مسئله خشونت، نمی‌تواند همیشه، عامل بازدارنده در ارتکاب آن باشد، بلکه به نوعی پاک‌نمودن صورت مسئله خواهد بود.

بنابراین در راستای دستیابی به این هدف و نیز پرهیز از انجام پژوهش‌های تکراری و مشابه، در اینجا سعی شده‌است، به جای پرداختن به اختلالات روانی و اختلالات شخصیتی در مردان همسرآزار، به ابعاد جدیدتری در این حوزه پرداخته شود. از این دست عوامل می‌توان به سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه اشاره نمود.

عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش مدل‌هایی در درون سازمان شناختی فرد به نام طرحواره می‌شود. این طرحواره‌ها در زندگی فرد به عنوان عدسی‌هایی عمل می‌کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی از تجارب وی را شکل می‌دهند. طرحواره، قالبی است که بر اساس واقعیت یا تجربه شکل می‌گیرد تا به افراد کمک کند تجربه را تبیین نمایند. در بافت روان‌درمانی، طرحواره به طور کلی به عنوان هر اصل سازمان بخش کلی در نظر گرفته می‌شود که برای درک تجارب زندگی فرد ضروری است. بسیاری از طرحواره‌ها در اوایل زندگی شکل می‌گیرند و به حرکت خود ادامه می‌دهند و خودشان را به تجارب بعدی زندگی تحمیل می‌کنند، حتی اگر هیچ کاربرد دیگری نداشته باشند. برخی از طرحواره‌ها بویژه آنها که عمدتاً در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می‌گیرند، ممکن است هسته اصلی اختلالات شخصیتی و مشکلات بین‌فردی باشند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه، همیشه خود را در جریان یک رابطه مانند رابطه زناشویی، نشان می‌دهند و باعث تأثیر در کنش‌وری رابطه می‌شوند (لطفی، ۱۳۸۵. ص ۸۶).

دلبستگی، پیوند عاطفی نسبتاً پایداری است که بین کودک و یک یا تعداد بیشتری از افرادی که نوزاد در تعامل عاطفی منظم و دائمی با آنها می‌باشد، ایجاد می‌شود. دلبستگی در روابط والد-کودک به رابطه عاشقانه و دوستانه بزرگسالی فرد انتقال می‌یابد و می‌تواند بر رفتار، شناخت و هیجانات، در هر زمانی از زندگی تأثیر گذارد (کولین^۱، ۱۹۹۶. ص ۹۵).

بر اساس یافته‌های نظریه دلبستگی، تفاوت‌های فردی در الگوهای فعال و به تبع آن در جهت‌گیری دلبستگی بزرگسالان با الگوی متمایزی از سبک‌های مقابله^۲ با فشارروانی و راهبردهای نظم‌بخشی هیجانی و شناختی مرتبط است. به عبارت دیگر، افراد با سبک‌های

1 - Colin

2 - Copying Strategies

دلبستگی متفاوت، راهکارهای متفاوتی را برای مقابله با فشار روانی و تنظیم عواطف بکار می‌برند. بین سبک دلبستگی ایمن با توانایی حل مسئله^۱ و استفاده از سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار و تجربه خشم و پرخاشگری کمتر، همبستگی مثبت و بین دلبستگی نایمن با توانایی حل مسئله کمتر و تجربه خشم و پرخاشگری بیشتر، همبستگی مثبت وجود دارد (میکولینسر و همکاران، ۱۹۹۰).

با توجه به آنچه گذشت می‌توان اینگونه استدلال نمود که اگر افراد در خانواده به روش درستی پرورش پیدا کنند، هم سبک دلبستگی ایمنی خواهند داشت و هم طرحواره‌ها به صورت سازگارانه در آنها رشد خواهند کرد که این در آینده باعث می‌شود، آنها رفتار سالمی داشته باشند، اما اگر مسیر رشد طبیعی خود را طی نکنند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک دلبستگی نایمن باعث سوق دادن افراد به طرف انجام اعمال پرخاشگرانه و ضداجتماعی می‌شود.

خشونت، آن هم در محیط خانه، یکی از مصادیق بارز ارتباط ناسالم است که می‌تواند ناشی از مشکلات شخصیتی فرد مرتکب‌شونده آن باشد. ارتباط میان سبک دلبستگی و رفتارهای ضداجتماعی و مخرب، به طور مکرر بوسیله محققان گزارش شده‌است.

سبک‌های دلبستگی نایمن و طرحواره‌های ناسازگار، فرد را به سمت روابط مختل سوق می‌دهند و ما هر روزه شاهد افرادی هستیم که قادر به ایجاد و یا ادامه ارتباط سالم با دیگران نیستند.

مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که آیا مردانی که مرتکب خشونت خانگی شده و آسیب‌های فراوانی را در درجه اول به همسر خود و صمیمیت و رضایتمندی زن‌اشویی‌اشان

و در درجه بعد، به فرزندانشان که شاهد و یا قربانی این خشونت هستند می‌زنند، سبک‌های دلبستگی ناایمن و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در آنان شدت و فروانی بیشتری نسبت به سایر مردان دارند و آیا بین سبک‌های دلبستگی این مردان با طرحواره‌های ناسازگارشان ارتباطی وجود دارد؟

با توجه به آنچه در پیشینه پژوهش‌های حوزه آسیب‌شناسی روانی خشونت‌ورزان دیده می‌شود، بنظر می‌رسد عوامل یادشده نقشی عمده و اساسی خواهند داشت، زیرا از سویی طرحواره‌ها و سبک‌های دلبستگی، زیربنا و پایه بسیاری از مشکلات روانشناختی می‌باشند و از سوی دیگر دارای مفاهیم مشترک زیادی هستند.

اهمیت و ضرورت پژوهش:

خشونت (بدرفتاری) با یک شریک جنسی^۱، یک مسئله اساسی در زمینه سلامت عمومی و همچنین یکی از گسترده‌ترین مسائل در زمینه نقض حقوق بشر است. این موضوع در تمامی کشورهای اروپایی مانند سرتاسر جهان، ناشناخته باقی مانده است. ۱۰ تا ۵۰ درصد زنان در سراسر جهان گزارش داده‌اند که توسط شریک جنسی، گاهی در طول زندگی‌شان مورد صدمه و آسیب جسمی قرار گرفته‌اند (هیس^۲ و همکاران، ۱۹۹۹. نقل از مولارودی، ۱۳۸۵. ص ۵۵).

در یک تحقیق گسترده بین‌المللی (با مجموع ۲۴۰۹۷ مصاحبه شونده) در ۱۵ مکان در ۱۰ کشور، گارسیا مورنو^۳ و همکارانش (۲۰۰۶)، گزارشی از شیوع خشونت جسمی، جنسی و یا هر دو، توسط شریک جنسی، تهیه کردند که بین ۱۵ تا ۷۱ درصد، متغیر بود. در انگلیس، ۲۳ درصد (حدوداً ۱ نفر از هر ۴ نفر) زنان بین ۱۶ تا ۵۹ سال توسط همسر فعلی یا قبلی خود،

1- Intimate partner abuse (IPA)

2 - Heise. etal

3- Garcia – Moreno